



تحلیل محتوای بیانات رهبری در دیدار با دست‌اندرکاران کنگره ملی شهدای کرمانشاه

معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی
دفتر مطالعات و تحقیقات
آبان ۱۴۰۳

مقدمه

دست اندر کاران کنگره ملی شهدای کرمانشاه در تاریخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۵ با مقام معظم رهبری دیدار داشتند.

معظم‌له در این ملاقات کرمانشاه را یکی از نقاط برجسته کشور و مایه خرسندی و خشنودی خواندند. ایشان ضمن اشاره به سوابق ارزنده مردم این منطقه در پیش و پس از پیروزی انقلاب و تقدیم شهدا و جانبازان بسیاری در دوران دفاع مقدس بر لزوم حفظ و یاد شهدا و میراثشان به منظور اثرگذاری بر جوانان و الگوپذیری از آنان برای دفاع در عرصه جنگ ترکیبی امروز دشمن تأکید کردند. در ادامه ایشان با بیان سئوالاتی وظایف دست اندرکاران کنگره‌ها را پاسخگویی به این سئوالات در مقابل نسل جوان بیان کردند.

در فراز پایانی این بیانات، مقام معظم رهبری سهمی بزرگ از ایجاد وحدت در منطقه کرمانشاه را به دلیل برکت حضور علما دانستند.

مشروح و تحلیل بیانات دیدار یادشده به شرح زیر است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله
الطيبين الطاهرين سيما بقیة الله فى الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز و خیلی متشکرم از بیانات امام جمعه‌ی محترم و فرمانده محترم سپاه با این متنی که خواندند که هم زیبا بود، هم پرمغز و پرمطلب بود؛ خیلی ممنون.

کرمانشاه یکی از نقاط برجسته‌ی کشور ما است. منهای فعالیت در انقلاب و در جنگ و مانند اینها، اساساً کرمانشاه محلّ اجتماع مذاهب مختلف، قومیت‌های مختلف و زندگی آرام و نجیبانه‌ی با یکدیگر است؛ این وضع کرمانشاه است و همه‌ی این مجموعه در همه‌ی بخش‌های این استان، همین محدوده‌ی طبیعی استان – حالا از لحاظ جغرافیایی اسمش را چه بگذاریم، آن مهم نیست – مرزداران صادق و صمیمی کشور در آن ناحیه و در آن منطقه بودند. این یک تعریف اجمالی از کرمانشاه است.

کرمانشاه محلّ اجتماع مذاهب مختلف، قومیت‌های مختلف و زندگی آرام و نجیبانه‌ی با یکدیگر است

بنده هم هر چه به حافظه‌ی خودم مراجعه می‌کنم و هر چه از کرمانشاه اطلاع دارم، مایه‌ی خرسندی و خشنودی هر کسی است که از اینها اطلاع پیدا می‌کند. بنده کرمانشاه را هم در دوران جنگ دیدم، هم قبل از شروع جنگ آمدم کرمانشاه و آنجا حرکت مردم را [دیدم]. روز بیست و دوم بهمنی من در کرمانشاه بودم. در دوران جنگ، شهرهای مختلف کرمانشاه را – خود کرمانشاه و گیلان غرب و اسلام‌آباد غرب و پاوه و بقیه‌ی جاها را – [دیدم]. این آقای ملاقادر آن وقت یک ماموستای جوانی بودند در پاوه؛ و مرحوم آقای اشرفی اصفهانی، شهید بزرگوار که واقعاً امثال ایشان حقاً و انصافاً مایه‌ی افتخار است؛ مرحوم اشرفی، پیرمرد، لکن مبارز و با عزم.



آیت الله عطاء الله اشرفی اصفهانی

[همین طور] مردم کرمانشاه که به همان تعبیر رایج خودشان واقعاً «پهلوان» و آماده‌ی دفاع و سینه‌سپر کرده. بحمدالله خاطرات ما از کرمانشاه، همه خاطرات برجسته و شیرینی است.

در دوران دفاع مقدّس و قبل از دفاع مقدّس، از اوّل انقلاب که درگیری‌ها در آن منطقه‌ی غرب کشور شروع شد، کرمانشاه خطّ مقدّم بود؛ یعنی اوّلین گروهی که برای مقابله‌ی با تجزیه‌طلبان خائن در منطقه‌ی کردستان رفتند و حرکت کردند، از کرمانشاه رفتند. اوّلین گروه، بچه‌ها و جوانهای کرمانشاه بودند که بوقت، بهنگام فهمیدند که قضیه چیست. ما آن وقت می‌دیدیم؛ حوادثی را که در آنجا می‌گذشت، در تهران عدّه‌ای بودند اصلاً نمی‌فهمیدند معنای این حادثه چیست؛ به عنوان یک حرکت معمولی مردمی به آن نگاه می‌کردند؛ دست‌های پشت قضیه را و حوادث سنگینی را که این قضیه برای کشور ممکن بود به وجود بیاورد نمی‌دیدند. جوان‌های مبارز کرمانشاه دیدند این راه؛ همان اوّل کار یک جمعی شدند و راه افتادند رفتند برای مواجهه و مقابله. در دوره‌ی جنگ هم همین جور؛ در آن بمباران‌های عجیب که در همان اوایل سال ۶۰، بعضی از شهرهای کرمانشاه خلوت شده بود – بنده می‌رفتم آنجا خلوت بود؛ بعضی از شهرها این جور بود که اصلاً در کوچه و خیابان آدم کسی را نمی‌دید – لکن مردم ایستادگی

کردند، از رزمندگانی که از سایر نقاط به اینجا رفته بودند بخوبی پذیرایی کردند، با آنها همکاری کردند، مجموعه‌ی نظامی تشکیل دادند، شهدائی هم تقدیم کردند که سردار، اسم این شهدای عزیز را آوردند؛ البته بعضی‌هایشان را که شهدای برجسته‌ای بودند ایشان اسم آوردند.



کرمانشاه خطّ مقدّم بود؛

یعنی اولین گروهی که برای مقابله‌ی با تجزیه‌طلبان خائن در منطقه‌ی کردستان رفتند و حرکت کردند، از کرمانشاه رفتند.

خب؛ حالا ما هستیم و میراث این شهدا؛ ما هستیم و یاد این شهدا. ما امروز چه استفاده‌ای [و چه کاری] از این حرکتِ عظیم جوان‌های مؤمن و مخلص می‌توانیم برای کشور و برای اسلام انجام بدهیم؟ این مهم است. این جوانها یک روز

سینه سپر کردند و اجازه ندادند که دشمن تجاوز کند به این خاک؛ در آن بیابان‌ها، در آن کوه‌های سر به فلک کشیده، در آن شرایط سخت ایستادگی کردند. من یادم نمی‌رود، از این کناره‌ی جاده می‌گذشتیم، کوه‌های «برآفتاب» طرف دست راست ما بود، انسان چشمش که می‌افتاد به این کوه‌ها و می‌دانستیم که مراکز اصلی دشمن بالای این کوه‌ها است دل انسان فشرده می‌شد که این جاهای حسّاس در اختیار دشمن کشور است. خب در آن شرایط، این جوان‌ها ایستادگی کردند - هم جوان‌های کرمانشاه و هم از سایر جاهایی که به کرمانشاه رفتند و به جبهه‌های کرمانشاه پیوستند - یک عده‌ای شهید شدند، یک عده‌ای جانباز شدند. قریب ده هزار نفر از خود این استان شما به شهادت رسیدند؛ دو سه برابر این، جانباز شدند. خب اینها کار خودشان را آن وقت انجام دادند؛ حالا چه؟ حالا آیا کشور از وجود این جوانانی که اگرچه جسمشان نیست اما حقیقتشان حضور دارد بی‌نیاز است یا نه، الان هم احتیاج دارد؟

من می‌گویم الان احتیاج کشور به این جوانها کمتر از روز جنگ نیست. امروز ما [به اینها] احتیاج داریم؛ چرا؟ برای خاطر اینکه جنگ دشمن آن روز یک جنگ سخت‌افزاری نمایان و آشکار بود، امروز یک جنگ ترکیبی است؛ هم جنبه‌ی سخت‌افزاری در آن هست، هم جنبه‌ی نرم‌افزاری در آن هست؛ هم جنگ جسمانی است، هم جنگ روانی است. امروز دشمن این‌جوری وارد می‌شود. هم جنگ با سلاح آتشین و مانند این حرفها است - آن وقتی که لازم بدانند - هم جنگ با سلاح فرهنگ است. امروز وضع کشور ما این‌جوری است. ما قوی هستیم؛ ما امروز نسبت به آن روز صد برابر قوی‌تر شدیم؛ در این تردید نکنید. ما امروز بحمدالله و به توفیق الهی از همه‌جهت قابل مقایسه‌ی با آن روز نیستیم. آن روز دشمن به تهران - مرکز کشور - موشک می‌زد، ما حداکثر می‌توانستیم با توپ مثلاً ۱۵۵، من باب مثال بصره را بزیم، که البته نمی‌زدیم - چون جمعیت بود، مردم بودند، نمی‌زدیم - امروز این‌جوری نیست؛ امروز می‌بینید دیگر، وضع جور دیگر است. قوی‌تر شده‌ایم اما توطئه‌های دشمن پیچیده‌تر شده؛ این مهم است. امروز صرف اینکه ما در میدان جنگ نظامی حاضر باشیم و کار کنیم و تلاش کنیم و موشک بسازیم، کافی نیست. بله، ما در این زمینه‌ها پیشرفت‌های خوبی کرده‌ایم، اما این کافی نیست؛ ما باید روی دل‌هایمان، روی روح‌هایمان، روی زبان‌هایمان، روی جهت‌گیری‌هایمان کار کنیم.

خب، در مجموعه‌ی «مایی» که می‌گویم باید کار کنیم - «ما باید کار کنیم» - «ما» کیست؟ در این مجموعه‌ی «ما» که همه‌ی ملت را شامل می‌شود، چه کسی از همه مؤثرتر است؟ جوانها؛ جوانها مؤثرترند. آن روز هم جوانها رفتند سینه سپر کردند. آیا جوان امروز آنچه را شما راجع به شهدا می‌دانید، از بن دندان می‌داند؟ این مهم است. یعنی آیا جوان امروز ما و نسل آینده‌ی ما به عمق این ارزش و اهمیتی که آن روز حضور شهید در میدان جنگ داشت و کاری که او کرد، امروز واقف است یا نه؟ آیا آن اخلاص را، آن گذشت را، آن اخلاق اسلامی را، آن رفتارهای منطبق با

شریعت را که جوان‌های ما آن روز در میدان جنگ داشتند، جوان امروز درست شناخته، دانسته، می‌داند یا نه؟ به این سؤال‌ها شما باید جواب بدهید. این کنگره‌ها باید به این سؤال‌ها جواب بدهد و اگر خلایی هست، آن خلأ را پر کند.

جوان‌های آن روز ما در واقع از قالب بشری، کآنه خارج شده بودند. در جنگ‌های دنیا نگاه کنید - هم فیلم‌ها را ببینید، هم داستان‌ها را ببینید و بخوانید؛ درباره‌ی جنگ‌های مختلف دنیا هزاران فیلم و داستان نوشته شده - رزمنده در میدان جنگ یک موجود لاابالی است، یک موجود بی‌قید است؛ یک موجودی است که اگر دستش برسد، برای نفس خودش هر غلطی را که بتواند انجام می‌دهد؛ به دشمن هم که دست پیدا کرد و آن شهر را فتح کرد، برایش غارت کردن و نابود کردن یک کار عادی است؛ رزمندگان در دنیا این‌جوری هستند. این را مقایسه کنید با رزمنده‌ی ما که اگر چنانچه در یک محلی در محاصره گرفتار شد و غذا و نان و مانند اینها به او نرسید، و یک مغازه‌ای آنجا هست که داخل آن بیسکویت هست و این بیسکویت را از روی اضطرار می‌خورد، هم از ولی‌فقیه اجازه می‌گیرد، هم روی کاغذ به آن دکان‌دار می‌نویسد که من بیسکویت را خوردم. اینها چیزهایی است که داستان نیست؛ اینها را ما دیده‌ایم، بنده دیده‌ام این را، مشاهده کرده‌ام، اطلاع دارم. جوان‌های ما در سوسنگرد مدتی در محاصره بودند، هیچ چیزی به آنها نمی‌رسید؛ اینها گرسنه بودند، داخل مغازه‌ها پر بود از غذا و امکانات و کنسرو و از این چیزها؛ نمی‌خوردند؛ می‌گفتند باید امام اجازه بدهد. ما از اهواز تکرار، تکرار، اصرار که بخورید، بردارید؛ نمی‌خوردند! معنای این چیست؟ این تقوا، این پرهیز، این ورع، این اخلاص، این صمیمیت را کجا شما پیدا می‌کنید؟ این را جوان امروز ما باید بداند؛ این را باید نشان بدهید. این را باید برجسته کنید و نشان بدهید: مقایسه‌ی بین جوان رزمنده‌ی ما و نوع رزمنده‌های دنیا در زمینه‌ی معنویات، در زمینه‌ی نیت، در زمینه‌ی نوع عمل و مانند اینها. این حرفهایی که ما بارها گفته‌ایم و شنیده‌ایم و تکرار شده که فداکاری می‌کند برای هم‌رزمش؛ اینها اتفاق افتاده. آن که تشنه است، آب نمی‌آشامد برای اینکه ریفش تشنه نماند و با تشنگی شهید می‌شود، از دنیا می‌رود؛ اینها مهم است.

کارهایی که انجام داده‌اید که فی‌الجمله و کوتاه و پرمغز سردار شمرند، کارهای بسیار خوبی است، اینها همه خوب است؛ منتها این کارها برای چیست؟ برای اثرگذاری است دیگر. بروید سراغ خروجی این کارها؛ ببینید کتاب شما را چند نفر خواندند، چند نفر استفاده کردند، چند نفر یادداشت برداشتند، چند نفر نقاط برجسته‌ی آن شهیدی را که شما در آن کتاب معرفی کردید در دفترچه‌شان یادداشت کرده‌اند برای اینکه از آن استفاده کنند؛ بروید سراغ اینها و روی اینها کار کنید، روی اینها تکیه کنید. مخاطب کارهای شما جوانهایند؛ باید این مجموعه‌ی کارهایی که انجام می‌دهید روی جوانها اثر بگذارد. البته این کارها ارزشمند است؛ اگر این کارهای شکلی نباشد، معنا و محتوایی وجود ندارد دیگر؛ مثل وجود خود ماها که اگر جسممان نباشد و قوت نداشته باشد، کار روحی هم انجام نمی‌گیرد؛ باید انجام

بگیرد. با پا باید به مسجد رفت، با دست باید به دیگری کمک کرد؛ بنابراین جسم این کارها خوب است اما مراقب روح این کارها هم باشید. روحش «اثرگذاری» است؛ باید بتواند خروجی درستی را در عرصه‌ی چشم‌انداز شما ان‌شاءالله به وجود بیاورد.

هدف از مجموعه کارهای انجام‌شده **اثرگذاری** بر روی جوانان

به هر حال ما از شماها برای تلاشتان، برای کار خوبی که انجام می‌دهید، برای زحمتی که می‌کشید متشکریم؛ ان‌شاءالله خداوند از شماها قبول کند، و مردم کرمانشاه را ان‌شاءالله روزبه‌روز موفق‌تر کند. این وحدتی که کرمانشاهی‌ها دارند، خیلی‌اش به برکت علمای بزرگوار است؛ همین آقای علما، آقایان عزیزی که آنجا زحمت کشیدند، کار کردند، تلاش کردند؛ اینها خیلی ارزش دارد و توانسته بحمدالله این فضای خوب را به وجود بیاورد.

نقش خطیر

علما در

وحدت مردم

کرمانشاه

والسّلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

گزیده جملات

- * کرمانشاه یکی از نقاط برجسته‌ی کشور ما است.
- * کرمانشاه محلّ اجتماع مذاهب مختلف، قومیت‌های مختلف و زندگی آرام و نجیبانه‌ی با یکدیگر است.
- * مرزداران صادق و صمیمی کشور در آن ناحیه و در آن منطقه بودند.
- * آقای ملاقادر آن وقت یک ماموستای جوانی بودند در پاره‌ی و مرحوم آقای اشرفی اصفهانی، شهید بزرگوار که واقعاً امثال ایشان حقاً و انصافاً مایه‌ی افتخار است؛ مرحوم اشرفی، پیرمرد، لکن مبارز و با عزم.
- * کرمانشاه خطّ مقدّم بود؛ یعنی اولین گروهی که برای مقابله‌ی با تجزیه‌طلبان خائن در منطقه‌ی کردستان رفتند و حرکت کردند، از کرمانشاه رفتند.
- * قریب ده هزار نفر از خود این استانِ شما به شهادت رسیدند؛ دو سه برابر این، جانباز شدند.
- * امروز یک جنگ ترکیبی است؛ هم جنبه‌ی سخت‌افزاری در آن هست، هم جنبه‌ی نرم‌افزاری در آن هست؛ هم جنگ جسمانی است، هم جنگ روانی است.
- * قوی‌تر شده‌ایم اما توطئه‌های دشمن پیچیده‌تر شده؛ این مهم است.
- * ما باید روی دل‌هایمان، روی روح‌هایمان، روی زبان‌هایمان، روی جهت‌گیری‌هایمان کار کنیم.
- * در این مجموعه‌ی «ما» که همه‌ی ملت را شامل می‌شود، چه کسی از همه مؤثرتر است؟ جوانها؛ جوانها مؤثرترند.
- * این را باید برجسته کنید و نشان بدهید: مقایسه‌ی بین جوان رزمنده‌ی ما و نوع رزمنده‌های دنیا در زمینه‌ی معنویات، در زمینه‌ی نیت، در زمینه‌ی نوع عمل و مانند اینها.
- * مخاطب کارهای شما جوانهایند؛ باید این مجموعه‌ی کارهایی که انجام می‌دهید روی جوانها اثر بگذارد.
- * این وحدتی که کرمانشاهی‌ها دارند، خیلی‌اش به برکت علمای بزرگوار است.



وظیفه دست‌اندرکاران برگزاری کنگره ملی شهدا از دیدگاه مقام معظم رهبری

پاسخگویی به سؤالاتی همچون

- آیا جوان امروز آنچه را شما راجع به شهدا می‌دانید، از بن دندان می‌داند؟
- آیا جوان امروز ما و نسل آینده‌ی ما به عمق این ارزش و اهمیتی که آن روز حضور شهید در میدان جنگ داشت و کاری که او کرد، امروز واقف است یا نه؟
- آیا آن اخلاص را، آن گذشت را، آن اخلاق اسلامی را، آن رفتارهای منطبق با شریعت را که جوان‌های ما آن روز در میدان جنگ داشتند، جوان امروز درست شناخته، دانسته، می‌داند یا نه؟
- و نمایش مقایسه‌ی بین جوان رزمنده‌ی ما و نوع رزمنده‌های دنیا در زمینه‌ی معنویات، در زمینه‌ی نیت، در زمینه‌ی نوع عمل و مانند اینها.
- بروید سراغ خروجی این کارها؛ ببینید کتاب شما را چند نفر خواندند، چند نفر استفاده کردند، چند نفر یادداشت برداشتند، چند نفر نقاط برجسته‌ی آن شهیدی را که شما در آن کتاب معرفی کردید در دفترچه‌شان یادداشت کرده‌اند برای اینکه از آن استفاده کنند؛ بروید سراغ اینها و روی اینها کار کنید، روی اینها تکیه کنید.
- مخاطب کارهای شما جوانهایند؛ باید این مجموعه‌ی کارهایی که انجام می‌دهید، روی جوان‌ها اثر بگذارد.